

نکاتی درباره پایگاه اجتماعی معلمان ایرانی

اقتدار و پایگاه اجتماعی بالای معلمان و اساتید دانشگاه، به ثبات جامعه کمک می‌کند

علی میرزامحمدی

بررسی وضعیت پایگاه اجتماعی قشر معلمان و اساتید دانشگاه از آن جهت حایز اهمیت خاصی است که مروجان اندیشه و اشاعه‌دهنده‌های ارزشهای اجتماعی هر جامعه‌ای باید تا حد امکان، اندیشه خود را از دلبستگی‌های طبقاتی رها کنند تا بتوانند فارغ از این دلبستگی‌ها با پاسبانی از ارزشهای جامعه، در حفظ و اعتلای آن نیز بکوشند. با تضعیف جایگاه این قشر به جای پاسبانی از ارزشهای اجتماعی به پرسشگران و تردیدکننده‌های این نظام ارزشی تبدیل خواهند شد. این تردید و پرسشگری از کل بدنه نظام آموزشی به جامعه سرایت و کلیت آن را با تهدید مواجه خواهد کرد. درباره تنزل پایگاه اجتماعی معلمان و اساتید دانشگاه در وضعیت کنونی جامعه ایران می‌توان به بسترهای زیر اشاره کرد:

تضعیف طبقه متوسط جامعه ایران؛ تنزل پایگاه اجتماعی معلمان را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن وضعیت طبقه متوسط جامعه ایران تبیین کرد. معلمان و اساتید دانشگاه بخش مهمی از طبقه متوسط جامعه را تشکیل می‌دهند. نقش معلمان و اساتید دانشگاه در میان طبقه متوسط، به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی و عامل ترقی اجتماعی، بارز و حیاتی است. با تضعیف پایگاه اجتماعی این قشر، پشتوانه اصلی سیاست‌های رسمی حاکم بر کشور تضعیف شده است.

آنها هر روز بیشتر از پیش، درگیر مسائل روزمره خود می‌شوند و انگیزه چندانی برای مشارکتهای مدنی و سیاسی ندارند. تضعیف پایگاه اجتماعی معلمان، موجب کاهش نفوذ و تاثیرگذاری عاطفی و فکری آنها در میان دانش‌آموزان و اولیای آنها شده است. از طرف دیگر سطح

اعتماد اجتماعی در این قشر به شدت کاهش یافته و این باور در آنها ایجاد شده است که نمی‌توانند شرایط زندگی خود را کنترل کنند. این وضعیت موجب می‌شود معلمان نتوانند ارزشها و مفاهیمی را که کتابهای درسی بر اساس آنها تدوین شده است به خوبی به دانش‌آموزان منتقل کنند.

واژگون شدن ارتباط بین سرمایه اقتصادی با سرمایه فرهنگی: در وضعیت کنونی جامعه ایران، ارتباط بین سرمایه اقتصادی با سرمایه فرهنگی واژگون شده است. به این معنا که به جای آنکه سرمایه علمی و فرهنگی معبری برای ایجاد سرمایه اقتصادی باشد، در نگاه بخش مهمی از جامعه، ثروت معبری برای کسب مدارک علمی و بهره‌گیری از مزایای اجتماعی آن مانند وجهه و جایگاه اجتماعی تلقی می‌شود. آنها می‌توانند با پرداخت شهریه‌های سنگین در برخی دانشگاه‌های داخلی و خارجی، در رشته‌هایی که رقابت سختی در پذیرش آنها در دانشگاه‌های دولتی وجود دارد، از مزایای این مدارک بهره‌مند شوند؛ شهریه‌هایی که افراد طبقات پایین توان پرداخت آنها را ندارند. این وضعیت موجب شده است که جایگاه متولیان بازتولید سرمایه فرهنگی و علمی از جمله معلمان و اساتید دانشگاه در مقایسه با صاحبان سرمایه اقتصادی تنزل پیدا کند. در تشدید این وضعیت، استیلای ایدئولوژی و قدرت سیاسی بر محیط‌های علمی و آموزشی نیز بسیار موثر بوده‌اند. به این معنا که فضای علمی و آموزشی رسمی کشور در بازی‌های قدرت سیاسی آسیب دیده و در عمل بخش مهمی از کارکرد انتقادی و اثرگذاری اجتماعی و صنعتی خود را به نهادهای دیگر واگذار کرده است. رویکرد کمیت محور: عامل مهم دیگر در تنزل جایگاه اجتماعی معلمان استیلای رویکرد کمیت محور در نظام آموزشی است.

این رویکرد بازتاب وضعیت بد اقتصادی کشور و ناتوانی دولت در پاسخگویی به مطالبات مردمی است. در این شرایط نظام آموزشی تلاش می‌کند در تطابق با وضعیت ریاضت اقتصادی کشور، بسیاری از هزینه‌ها را کاهش دهد که نتیجه آن کاهش کیفیت آموزشی، افزایش شکاف آموزشی و تنزل عدالت آموزشی است. پرداخت حقوق و رسیدگی به وضعیت رفاهی معلمان در این بستر، نتیجه‌ای جز تنزل جایگاه اجتماعی به همراه نداشته است. ناهمگونی مبادی استخدامی معلمان: در حال حاضر مبادی مختلف و ناهمگونی برای استخدام و جذب معلمان وجود دارد. این مبادی مختلف موجب شده است معلمان مدارس، امنیت شغلی یکسانی نداشته باشند. این مساله به عدم وحدت و عدم هماهنگی معلمان با همدیگر در به کارگیری روش‌های آموزشی و تربیتی منجر شده است. متأسفانه این ناهمگونی به عنوان اهرم کنترلی قوی توسط دولت به کار گرفته می‌شود و مانعی جدی در همصدایی برای تحقق حقوق صنفی

معلمان است؛ زیرا معلمانی که از مبادی ناامن، جذب آموزش و پرورش شده‌اند، توان اعتراض به وضعیت نابسامان را ندارند. در نتیجه این وضعیت، معلمان در دسته‌بندی ناخواسته درونی خویش گرفتار شده‌اند که با تنش‌های فرسایشی به تشدید تنزل جایگاه اجتماعی آنها منتهی شده است.

ناسازگاری پایگاهی: معلمان ایرانی بیش از اقشار دیگر جامعه، دچار «عدم تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی» (status inconsistency) هستند. به این معنا که آنها در بعد فرهنگی در رتبه‌های بالا و همزمان در بعد اقتصادی در رتبه‌های متوسط و اخیراً پایین جامعه قرار دارند. بر اثر ناسازگاری پایگاهی، با افزایش انتظارات، توقعات و مطالبات، این قشر دچار تنش‌ها و فشارهای اجتماعی شده‌اند. این ناهماهنگی، منشا روحیاتی منفی چون افسردگی، اضطراب و یأس در این قشر تاثیرگذار است. از طرف دیگر آنها مجبور شده‌اند برای بهبود معیشت خود به مشاغل دومی روی بیاورند که بیشتر آنها تناسبی با نقش فرهنگی آنها ندارد. این مشاغل هر چند در ارتقای موقعیت اقتصادی آنها موثر است، اما پایگاه اجتماعی آنها به عنوان معلم را تنزل می‌دهد. در کنار بسترهای ذکر شده باید به سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای کلان کشور در حوزه آموزش و پرورش نیز اشاره کرد که بخش مهم وضعیت اقتصادی و اجتماعی معلمان بازتاب آن است. معلمان و اساتید دانشگاه به عنوان بخشی از طبقه متوسط جامعه، نقطه ثقل جامعه محسوب می‌شوند و اقتدار و پایگاه اجتماعی بالای آنها، به تحکیم ثبات جامعه کمک می‌کند. به عبارت دیگر اثرات منفی تضعیف جایگاه و پایگاه اقتصادی این قشر، فقط متوجه خود آنها نشده و کل جامعه را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

منبع: □□□□□□ □□□□□□ 14 □□□□□□ □□□□□□ 1402 □□□□□□